

بازدارندگی نرم؛ مبانی و کاربست دفاعی آن

دکتر نادر ساعد^۱

تاریخ ارائه: ۱۹/۱/۲۲

تاریخ تصویب: ۱۹/۲/۴

چکیده

تولید و ظهور قدرت در خلال روابط اجتماعی، امری طبیعی و غیر قابل گریز است و اثرگذاری چهره‌های گوناگون قدرت بر نظم عمومی، از نظر همه مکاتب دفاع و امنیت ملی، اصلی مسلم به حساب می‌آید. دفاع ملی به مثابه تضمین هسته نظم عمومی و ممانعت از استیلاي قدرت خارجی بر قلمرو ارضی خودی نیز نیازمند کاربست همه مظاهر قدرت (تناسب دفاع با تهدید) است. در دورانی که تهدیدها به جای صبه نظامی آن علیه یک «سرزمین»، به منظور تأثیرگذاری و نفوذ در «ذهن‌ها و حوزه ادراکی - احساسی جمعیت کشور آماج» هدف‌گیری می‌شوند، «دفاع» معنی و مفهومی گسترده‌تر از گذشته می‌یابد و راهبردهای دفاعی نیز بر مبنای مفاهیم نوین، منابع، ابزارها و روش‌های جدید، قابلیت تحول شکلی و محتوایی می‌یابند تا کارویژه دفاع ملی را بر شالوده‌هایی متقن و اطمینان‌بخش سازگار با شرایط زمان استوار سازند. در این نوشتار ضمن تحلیل جنبه‌های مفهومی بازدارندگی و واکاوی مفهوم بازدارندگی نرم، به مستندسازی جایگاه این مفهوم در اسناد بالادستی دفاع ملی کشور خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: قدرت نرم، دفاع ملی، سند چشم‌انداز، بازدارندگی همه‌جانبه، دیپلماسی دفاعی.

۱. مدیر گروه صلح مرکز و کرسی حقوق بشر دانشگاه شهید بهشتی.

مقدمه

قدرت دارای دو بافت متفاوت یعنی «سخت»^۱ و «نرم»^۲ است. قدرت نرم، بُعد نامحسوس، غیرمادی و نرم‌افزاری دارد و متکی به جهات «ذهنی و مجموعه باورها، ارزش‌ها و بایسته‌هایی است که بر پایه عناصری در درون انسان یعنی در ذهن و قلب افراد (حوزه ادراکی - احساسی) شکل می‌گیرند و تجلیات «عینی» آنها را که در اعمال و رفتار انسانی نمودار می‌گردند، جهت می‌دهند.

قدرت نرم، توانایی و داشتن دیگران بر پایه برجسته‌سازی چهره اقناع (رضایتمندانه یا القایی)، اولویت دادن به تولید اعتماد، خرسندی و اقبال است. قدرت نرم، وضعیت تحمیل سلطه و القای نظر و خواست صاحب قدرت بر دیگران را در لوای جذابیت‌های رفتاری و فکری صاحب قدرت، پنهان می‌سازد و محور نزول و تحقق آن، نه از مجرای قهر و اجبار بلکه در پرتو تصور همانندسازی فرمانبر و فرمانروا انجام می‌شود. فرمانبر و مخاطب قدرت، خواست و اراده خود را با خواست و اراده عینیت‌یافته فرمانروا تطبیق داده، همانندسازی می‌کند و سپس خواسته‌ها و رفتارهای خود را بر همان مبنا چنان جهت می‌دهد و نمودار می‌سازد که گویی مبنا و غایت‌های خواسته‌ها و رفتارهای یادشده، نه عاریتی بلکه خودساخته و نشئت گرفته از خود اوست و از این‌رو فکر و ذهن خود را مطابق با ذهنیت‌ها و مطلوبیت‌هایی می‌سازد که صاحب قدرت در نظر دارد و دیکته می‌کند و ناخواسته یا خواسته، در همان مسیر حرکت می‌کند ولی به طور قطع بین تعلقات خود و برایندهای این قدرت، هیچ فاصله‌ای نمی‌بیند.

اگر زایش قدرت در خلال روابط اجتماعی، امری طبیعی و ناگزیر و غیرقابل گریز است، وجود ارتباط بین همه چهره‌های آن با نظم عمومی، فرضی قطعی است. دفاع ملی به مثابه تضمین هسته نظم عمومی و جلوگیری از سلطه قدرت خارجی بر قلمرو

1. Hard Power
2. Soft Power

ارضی خودی نیز نیازمند کاربرست این مظاهر قدرت است. در دورانی که تهدیدها گاه صورت‌بندی «نرم» می‌یابند و به جای حمله نظامی به «سرزمین»، علیه «ذهن‌ها و حوزه ادراکی - احساسی جمعیت کشور» هدف‌گیری می‌شوند، دفاع، معنی و مفهومی متفاوت از وضعیت سنتی می‌یابد و راهبردهای دفاعی نیز بر مبنای مفاهیم نوین، منابع، ابزارها و روش‌های جدید، کارویژه صیانت از تمامیت ارضی را تحقق می‌بخشند.

نظر به اینکه «بازدارندگی همه‌جانبه» مبنای رهنامه دفاعی کشور بوده و سند چشم‌انداز توسعه ایران ۱۴۰۴ چنین رهیافتی از دفاع ملی را مورد پذیرش قرار داده و دیگر اسناد بنیادین دفاع ملی کشور نیز بر پایه رویکرد بازدارندگی دفاعی استوارند، در این نوشتار کارکردهای قدرت نرم در بخش دفاعی را پس از تحلیلی مفهوم‌شناختی، در پرتو اسناد یادشده مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهیم داد. افق این مطالعه، کاوش در وجود مبانی و جلوه‌هایی متقن در اسناد بنیادین دفاع ملی کشور از نظر شناسایی و توجه به قدرت نرم و کاربرست آن در راستای تضمین دفاع ملی است. از این‌رو، نخست به بازدارندگی و ارتباط آن با قدرت نرم خواهیم پرداخت و سپس شناخت کلی این مفهوم را در اسناد بالادستی دفاعی مورد رصد و واکاوی قرار خواهیم داد.

۱. بازشناسی قدرت نرم و کارکردهای آن در دفاع ملی

قدرت نرم دفاعی باید در سه بخش «مدیریت دفاع ملی» با هدف تولید اندیشه راهبردی دفاعی مورد نیاز در تدوین سیاست دفاع ملی از راه تعامل فزاینده عالمان و عاملان یا اتاق‌های فکر دفاعی؛ «صنعت دفاعی» به منظور تولید دانش فنی مورد نیاز برای طراحی، تولید و توسعه بومی فناوری‌های دفاعی؛ و «کارگزاران دفاع» با هدف تولید علم و مهارت‌های رزمی روزآمد مورد نیاز برای دستیابی به پیروزی در جنگ‌های پسانوین تعریف و تعقیب شود (ترابی، ۱۳۸۷: ۱۰۱).

۱-۱. نگاهی به خصایص و مؤلفه‌های قدرت نرم

اجتماع، خاستگاه اصلی و عینی قدرت است؛ چرا که توانایی و داشتن دیگران به فعل یا ترک فعل و یا داشتن یا نداشتن وضعیتی معین، در خلال روابط اجتماعی، شکل می‌گیرد و بروز و ظهور می‌یابد. بازدارندگی نرم، متکی بر شناخت ماهیت قدرت نرم و مدیریت آن به منظور تأمین بالاترین سطح منافع ملی و ایفای حداکثری و بهینه‌مأموریت‌های دفاعی متناسب با اوضاع و احوال حاکم بر فرایند تولید تهدید است. از این رو، نخست به تبیین خصایص و مؤلفه‌های این قدرت خواهیم پرداخت. قدرت نرم، خصایص و مؤلفه‌های گوناگون و قابل تأملی دارد که مجال پردازش تفصیلی آنها در این نوشتار نیست. خصایص قدرت نرم را در نگاهی کلی و به صورت خلاصه در حد ارتباط با بازدارندگی نرم، می‌توان چنین بیان کرد:

۱-۱-۱. تمرکز بر حوزه اداری و احساسی یا ذهنیت‌ها

رفتار اعم از فعل مثبت یا منفی، نشئت گرفته از محتوای ذهنی افراد مخاطب است. این ذهنیات ممکن است از احساسات و ذهنیت‌های نه چنان عقلانی گرفته تا باورها و اعتقادات عمیق ایدئولوژیک یا غیر آن، متنوع باشند. اما مهم این است که مخاطب و فرمانبر، «بنا بر اعتقادات و باورهای معین، خواسته‌های بازیگر صاحب قدرت را به انجام می‌رساند» (افتخاری، پاییز ۱۳۸۵: ۸) بدون اینکه در این میان، ساختار فرماندار و فرمانبردار چندان روشن و مشهود باشد.

۱-۱-۲. ابتنای بر اقتناع و اقبال

یکی از نگرش‌ها به تعریف و ماهیت‌شناسی قدرت نرم، تحلیل آن از مجرای «ابزار» است. بنا به این رویکرد، «نگاه به قدرت نرم، معطوف به ابزار است» (کلهر، ۱۳۸۵: ۱۰). اما با نگاهی دیگر، قدرت نرم نه معطوف به ابزار بلکه ناظر بر «منبع» قدرت است که در

آن، ابزارها بازننگری اساسی شده (افتخاری، ۱۳۸۷: ۱۱) و یا به حاشیه رانده شده و هنجارها (افتخاری، ۱۳۸۷: ۸) - که تشکیل دهنده مبنا و اساس حقانیت و اعتبار طرف صاحب قدرت هستند - مخاطب را به خودپیروی و پذیرش انتخابی (و نه جبری) فعل‌ها و ترک فعل‌های موردنظر و مطلوب صاحب این قدرت، جلب می‌نماید.

دو روش اصلی برای اعمال قدرت وجود دارد: روش اجبار که سلطه نهفته در ذات قدرت را به وسیله ابزارهای قهری و سایر مجاری تحمیلی عملی می‌نماید. در این روش، نظر و خواست مخاطب چندان اهمیتی ندارد بلکه بایسته‌های رفتاری و ذهنی به مخاطب چنان دیکته می‌شود که وی توان انتخاب نداشته باشد. بدون شک، برای تضمین این قدرت نیز از سازوکارهای بیرونی و خارجی اعم از سازمان‌های اداری، انتظامی، قضایی و نظایر آن و همچنین مجاری غیرسازمان‌یافته‌ای از این دست، استفاده می‌گردد. روش دیگر، اقناع و خرسندسازی یا متقاعد کردن مخاطب است. در این روش، وضعیت مخاطب و میزان استقبال وی از بایسته‌های یادشده اهمیت اصلی دارد. قدرت باید چنان به مخاطب عرضه شود که صورت و ظاهر تحمیل نداشته و در وی ایجاد مقاومت ننماید، بلکه به عکس، وی در وضعیت انتخابی، متصور می‌گردد و با اختیار بلکه با اعتقاد و باور خود از آنها پیروی می‌کند. در نتیجه، به جای مقاومت، «استقبال» می‌نماید.

در قدرت نرم، بین فرمانبر و فرمانروا، رابطه‌ای پیوسته و تبعیت نسبی شکل می‌گیرد. مخاطب از روی رضایت‌مندی و نگاه مثبت و ضمن پذیرش قلبی، مثبت بودن محتوا یا نتایج عمل به خواسته‌های طرف صاحب قدرت، خواسته‌های یادشده را عملی می‌سازد (افتخاری، ۱۳۸۷: ۸). این مخاطب، خود به سمت اجابت خواسته‌ها حرکت می‌نماید بدون اینکه عامل اجبارکننده‌ای وجود داشته باشد. البته اقناع، جلب رضایت‌مندی و جذب مخاطب، رایگان و بی‌هزینه نیست. هرچند از گذشته در مطالعات امنیتی، ترغیب، پاداش و تطمیع به عنوان مجاری اعمال نفوذ در مناسبات

بین‌الدولی و همبسته با قدرت سخت به نظر رسیده‌اند (هالستی، ۱۳۸۰: ۲۷۲-۲۶۹)؛ اما ترغیب و پاداش می‌تواند در روند استقرار اعتبار و اعتماد زایندهٔ اقتناع، مورد استفاده قرار گیرد.

۳-۱-۱. برآیند همانندسازی اجتماعی

مخاطب قدرت، خواسته‌ها و مطلوب‌های ذهنی و رفتاری خود را با شاخص‌های موردنظر صاحب قدرت می‌سنجد و خود را با وی تطبیق می‌دهد. در این رابطه، فرایند «همانندسازی» مخاطب با بازیگر صاحب قدرت محقق می‌شود و خواسته‌های وی به تعداد مخاطبین، تکثیر می‌گردد. بایدهای مخاطب کمابیش به بایدهای مخاطبان تبدیل می‌گردند و متعاقب آن در هر یک از آنها، حیاتی مختص به خود می‌یابند.

۴-۱-۱. انتقال ضمانت‌های رفتاری به درون مخاطب

قدرت نرم به جای اینکه نیرو و سازوکاری خارج از افراد ایجاد نماید که همواره مراقب و مسئول کنترل ذهنیات و رفتارهای مخاطبین باشند، نیروی ضامن خُسن اجرای خواسته‌های طرف صاحب قدرت را به درون افراد منتقل می‌کند. در این روند، همان نیرویی که رفتارهای افراد را جهت می‌دهد، سنجش میزان انطباق رفتارهای آنها با خواسته‌ها و مطلوبیت‌های مقرر شده از سوی صاحب قدرت را نیز بر عهده می‌گیرد. این مسئله از آن رو بسیار مهم است که هزینه‌های تضمین اجرای خواسته‌های صاحب قدرت را به کمترین میزان ممکن می‌رساند و نیاز به دادگاه، پلیس و سازمان‌های کنترل هنجارهای اجتماعی را تقلیل می‌دهد. ضمن اینکه چون پشتمانهٔ اجرایی کردن این خواسته‌ها اعم از اینکه جنبهٔ قانون یافته باشند یا نه، در قلب و ذهن افراد قرار می‌گیرد، ضعف ساختارهای دولتی و حکومتی یا از میان رفتن آنها نیز نقش چندانی در بود و نبود این پشتمانه‌ها نخواهد داشت.

۵-۱-۱. کروی سازی ساختار قدرت

قدرت سخت، دارای ساختاری سلسله مراتبی و طولی است که در آن واضع و موضوع، مقنن و مجری، فرمانده و فرمانبر شکل می گیرد، پس در این قدرت، فاصله بین این دو دسته، امری طبیعی می نماید. اما قدرت نرم از ساختاری کروی برخوردار است که در آن «گسست های متعارف بین عامل و موضوع قدرت معنا ندارد، قدرت در فضای ارتباط متقابل پدید می آید (افتخاری، ۱۳۸۷: ۱۹) و با از میان برداشتن مرزهای سنتی میان دولت و ملت، به شکل پراکنده در بطن جامعه حضور می یابد (افتخاری، ۱۳۸۷: ۲۹). فراگیر بودن این قدرت (امیری، ۱۳۸۵: ۹) و گذار از موانع و محدودیت های سرزمینی، خصیصه بارزی است که در صورت همراهی ابزارها و فنون انتقال به مخاطبان گسترده (به ویژه از راه فناوری های انتقال اطلاعات)، سطح فزاینده ای از جامعه را تحت تأثیر قرار می دهد.

از این رو بازیگران، بازی سازان و بازی پردازان در قدرت نرم، متنوع تر و گسترده تر از قدرت سخت بوده و بافت و ساخت متنوعی از محیط ملی و بین المللی را مدنظر قرار می دهد.

۶-۱-۱. نامحسوس شدن صورت بندی تسلط بر تصمیم و تشخیص مخاطب

سلطه یا برتری یافتن نقش و تأثیر صاحب قدرت بر تصمیم ها و تشخیص های مخاطب، در ذات قدرت نهفته است (فالتزگراف، ۱۳۸۳: ۱۴۸). از این رو، همین وضعیت خواه در قدرت سخت یا نرم، به طور مشابه و برابر، صادق است. با این حال، «واداشتن» دیگری در قدرت سخت، صورت بندی شفاف و آشکار داشته و مخاطب را از امکان انتخاب محروم می سازد و به همین دلیل، وضعیت اندیشه کردن و همانندسازی ذهنیت ها و اعتقادات مخاطب با صاحب قدرت اعم از آمر یا مقنن وجود ندارد، اما در قدرت نرم همین تسلط بر دیگران از مجرای تعامل و خودانتخابی ظاهر می گردد؛

مخاطب به این دلیل خود را موظف به پیروی و تبعیت از خواسته‌های صاحب قدرت می‌بیند که خواسته‌های وی را خواسته‌های خود می‌شمارد و چه بسا، تعلق این خواسته‌ها به منبعی خارج از خود را چندان احساس ننماید.

ممکن است این همانندشدن‌ها، جنبه‌ها و دلایل گوناگونی داشته باشد. عمده‌ترین محور قابل بحث در اندیشه‌های حقوقی، مشروعیت صاحب قدرت است که به ویژه با حقانیت و مردمیت پیوند یافته است. در اغلب جوامع مردم‌سالار، مردمی بودن صاحب قدرت و ساختارهای متکی بر آن، چنان وزن و شأنی به فرمانروا می‌بخشد که فرامینش با اقبال، مورد پذیرش قرار می‌گیرند و مردم، خواسته‌های فرمانروا را خواسته‌های خود می‌شمارند.

۲-۱. چرخه تعامل و هم‌افزایی قدرت سخت و نرم

گفته می‌شود که در رهیافت قدرت نرم، «هنجارها نه یک منبع قدرت در کنار سایر منابع بلکه تنها منبع اصلی برای پیدایش قدرت» به‌شمار می‌روند (افتخاری، ۱۳۸۷: ۵۰)، اما فارغ از تحلیل‌هایی که در غرب برای تعریف و تبیین این مفهوم از قدرت وجود دارد، به نظر می‌رسد تنها «هنجارها» نیستند که از قابلیت جدی برای تولید قدرت نرم برخوردارند؛ بلکه گاه این خود قدرت سخت است که باورپذیری مخاطب اعم از خودی یا دشمن را به حقانیت طرفی که به قدرت سخت چنگ زده، ایجاد یا تقویت می‌کند. منبع قدرت نرم تنها منابع ذهنی، نامحسوس و ارزشی نیستند بلکه در کنار فرهنگ، ایدئولوژی و نهادها (قرائت جوزف نای)، قدرت سخت نیز می‌تواند بسترهای شکل‌گیری و تصاعد یا وزن‌یابی قدرت نرم را پدید آورد. این برداشت را می‌توان چرخه هم‌افزایی یا زاینده‌گی متقابل قدرت نرم و سخت نامید و در گستره‌ای فراتر از «وابستگی متقابل» آنها را مدنظر قرار داد (امیری، ۱۳۸۵: ۱۰). به عبارتی، کشوری مانند

آمریکا از قدرت سخت به عنوان مجرای جهانی سازی فرهنگ، اقتصاد و سیاست غرب و اصول ارزشی تشکیل بنیاد آنها بهره می گیرد.^۱

برایند عملی پذیرش این چرخه، توجه همزمان به نقاط قوت قدرت سخت و نرم و پرهیز از تصور بدیل و جایگزین شدن آنهاست. «پیوستگی فناوری نرم و سخت، لازمه نیل به هدف‌های هر دولت است» (صدوقی، زمستان ۱۳۸۳: ۴۱) و موفقیت با اتکای صرف به قدرت سخت و یا نرم حاصل نمی شود (فرهادی و مرادیان، ۱۳۸۷: ۱۴۴-۱۴۲). نای به عنوان واضح مفهوم جنگ نرم به همین نکته اذعان دارد که «حفظ قدرت سخت ما برای حفظ امنیت «کشور» ضروری است (نای، ۱۳۸۷: ۲۴۷). ما باید بیاموزیم که قدرت سخت و نرم خود را برای مقابله با چالش‌های جدید با هم بیامیزیم» (نای، ۱۳۸۷: ۲۲۹).

از یک سو، تولید قدرت نرم می تواند از مجرای قدرت سخت انجام شود. به طور کلی نرم افزارها پشتوانه تولید سخت افزارها هستند (ترابی، ۱۳۸۷: ۹۹). دستیابی به توانمندی و قابلیت‌های دفاع مؤثر در برابر تهاجم خارجی، ضریب اعتنا به کشور در محیط منطقه‌ای را تغییر می دهد و ارزش‌های ملی را (در صورت فراهم شدن سایر شرایط محیطی) جذابیت می بخشد. برای نمونه، خودکفایی دفاعی آن هم در مواردی نظیر کشورمان که سه دهه محدودیت و تحریم را تجربه کرده است، «جزء لاینفک هدف قدرت‌سازی» است (ترابی، ۱۳۸۷: ۱۱۰) و با عبور از وابستگی، قادر است غرور ملی و انتظارات راهبردی سیاستگذاران را ترکیب نموده، از آن به عنوان محصول قدرت، در روند امنیت‌سازی استفاده نمایند (ترابی، ۱۳۸۷: ۱۱۲).

۱. روی آوردن لیبی به خلع سلاح کامل، نمادی از کاربست قدرت غیرنظامی و نرم (از نوع اقناع‌سازی مبتنی بر ترکیب پاداش با اعتماد به غرب) بوده، اما این روش در مورد کره شمالی، تنها تا میانه راه بیشتر کارایی نداشته است. البته لیبی در این فرایند، تنها فریفته وعده پاداش شد ولی در عمل غرب از عمل به وعده‌های خود پرهیز نمود. با این حال، اثرگذاری وعده پاداش به عنوان عاملی برای نفوذ جدی بر اراده سیاسی یک دولت، عنصری از قدرت نرم است که به عینیت یافتن یا نیافتن خود این وعده‌ها، وابستگی ندارد.

از این رو گفته می‌شود که «ارتش هم می‌تواند نقش مهمی در تولید قدرت نرم ایفا کند. افزون بر تجلی قدرت حاصل از ظرفیت‌های قدرت سخت، زمینه‌های نظامی می‌توانند عامل ایجاد تعاملات گسترده بین کشورها در زمان صلح (نظیر قراردادهای نظامی، آموزش‌های مشترک و برنامه‌های رزمایش، امداد و کمک نظامی و حتی ورود به مسائل صلح، حقوق بشر و دموکراسی ضمن آموزش‌های نظامی با دیگر کشورها) باشند» (نای، ۱۳۸۷: ۲۰۶).

از سوی دیگر، قدرت نرم نیز می‌تواند مبنایی برای تحکیم قدرت سخت باشد. با تقلیل کاربرست قدرت نظامی، امکان توجه بیشتر به ملاحظات اقتصاد دفاعی فراهم می‌شود و می‌توان بهتر و مناسب‌تر، از فرصت تقلیل تهدیدهای خارجی برای ارتقای توان بازدارندگی استفاده نمود و با برقراری همکاری‌های سازنده دو و چندجانبه، از فناوری‌های سخت دفاعی برای تولید قدرت اقتصادی و کمک به برنامه توسعه ملی بهره گرفت. به تعبیر دیگر، در کنار تحول و انقلاب در امور نظامی که جلوه‌هایی پسانوین از نبرد را خلق نموده است (ساعد، ۱۳۸۷: ۱۸۲-۱۶۳)، فناوری‌های نرم نیز همچنان در گردونه تحول قرار دارند. فناوری‌های نرم «بر کیفیت بازدارندگی متعارف بسیار مؤثرند» (پیترز، ۱۳۷۸: ۴۹)؛ زیرا «با تولید غرور در دارنده آن، به افزایش سطح خواسته‌های بازیگر منجر می‌شود؛ تولید انگیزه جدید می‌نماید و همین انگیزه است که کاربرد امکانات جدید را توجیه و ممکن می‌سازد» (افتخاری، ۱۳۸۵: ۱۸۰). به واقع رشد فناوری نرم، انتخاب‌های پیش‌رو به منظور دستیابی و کاربرد قدرت سخت را فزونی می‌بخشد.

۳-۱. قدرت نرم در پرتو بازدارندگی همه‌جانبه

بازدارندگی، افزایش امکان توقف حمله تهاجمی (ضربه اول) حریف از راه اقماع آن به غیرمفید بودن حمله یا فزونی میزان تهدیدی است که در واکنش به آن (ضربه دوم) متحمل خواهد شد. بازدارندگی به عنوان یکی از مفاهیم بنیادین در تحلیل واقع‌گرایانه

از قدرت، «چهره دیگری از مفهوم سنتی توازن قدرت» (فالتزگراف، ۱۳۸۳: ۶۰۸) و «شکلی از نفوذ» (هالستی، ۱۳۸۰: ۴۸۱) در مناسبات بین‌المللی و جامعه بدون اقتدارات فراکشوری، جلوه‌ای از آمادگی و جهت‌گیری سیاست‌های ملی در خودیاری است که بر پایه «بدیهی بودن وجود دشمن و روابط قطبی» (تریف، ۱۳۸۳: ۱۶۶)، توازن قدرت و حفظ وضع موجود (از نظر ثبات در مرزها و مصونیت تمامیت ارضی) را به عنوان امری حیاتی می‌شمارد که فارغ از کارویژه نظامی، «پشتیبان دیپلماسی و سیاست خارجی» خواهد بود (تریف، ۱۳۸۳: ۴۷۳).

«سیاست بازدارندگی در بطن خود از تهدیدهای محیطی تأثیرپذیر است. نوع تهدیدها و میزان شدت و جدیت آنها در شکل‌گیری این سیاست و چگونگی و ماهیت آن اثرگذار می‌باشد» (ولی‌پور زرومی، ۱۳۸۳: ۵۲۲). از این رو با در نظر گرفتن تحول و تطور در کمیت و کیفیت تهدیدها، رهیافت‌های تبیین بازدارندگی دفاعی نیز دگرگون شده است. به واقع، دستیابی به غایت و هدف اصلی بازدارندگی (جلوگیری از عینیت یافتن و توفیق تهدید خارجی بدون تحمل هزینه‌های سنگین نظامی - امنیتی متقابل)، بر مبانی و منابعی مختلف استوار است که در این مورد می‌توان به تفکیک بازدارندگی سخت و نرم دست یافت.

۱-۳-۱. بازدارندگی سخت و نرم

در گذشته، اغلب «بازدارندگی مبتنی بر رعب» به مثابه جلوه‌ای از محدودسازی این مفهوم به منابع قدرت سخت، در روابط بین دولت‌ها جاری بود. هسته این مفهوم، «هراس» حریف از تحمل نتایج واکنش نهفته در ضربه دوم بوده است. در این دیدگاه، پنهان‌سازی کم و کیف منابع قدرت نظامی و جلوگیری از آگاهی دقیق دشمن نسبت به قدرت تهاجمی و تدافعی آن، لازمه آشکار نبودن ضریب امنیتی و سطح آسیب‌پذیری در برابر ضربه اول و میزان اثربخشی ضربه دوم تلقی می‌شد. البته منابع قدرت

خنثی‌کننده تهاجم و تضمین برتری واکنش خود ممکن است بر پایه «خوداتکایی» یا «منابع اشتراکی - ائتلافی» استوار گردد. با ظهور سازمان‌های منطقه‌ای نظامی، اغلب قدرت‌ها با گستراندن چتر حمایت نظامی خود از دولت‌های همسودر برابر تهاجم خارجی، ساختارهای بهره‌گیری از دفاع و امنیت جمعی را در این راستا ایجاد نموده‌اند. رهیافت دیگر به بازدارندگی که مبتنی بر درک قدرت نرم و اثرگذاری آن بر تهدیدها و مقوله دفاع ملی در دوران معاصر است، بازدارندگی نرم یا مبتنی بر ظرفیت‌های اعتماد، شفافیت و همکاری دفاعی است (Chan, Mar 2005). ارباب و هراس‌افکنی ناشی از گسترش و ارتقای توان نظامی ممکن است به جای ایجاد حس «گذار از دشمنی» و استقبال از همگرایی، دولت‌های واقع در محیط امنیتی پیرامونی به ویژه محیط منطقه‌ای را به «بی‌اعتمادی» و احساس آسیب‌پذیری فزاینده رهنمون سازد که در این صورت، شکل‌گیری برنامه‌های دفاعی ملی متقابل یا ائتلاف با قدرت‌های نظامی فرمانطقه‌ای، انتخاب‌های اجتناب‌ناپذیری خواهند بود که هر دو به زیان وضعیت امنیت منطقه‌ای و همچنین ناسازگار با ضریب اثربخشی بازدارندگی کشور خواهند بود. در همین راستاست که امیر دریابان شمخانی در تبیین قدرت موشکی کشورمان پس از آزمایش موشک سجیل ۲ اظهار داشته که «قدرت موشکی ایران، قدرتی دفاعی در برابر هرگونه تجاوزگری احتمالی بیگانه است و به هیچ‌وجه تهدیدی برای کشورهای منطقه و دیگر کشورهای جهان به شمار نمی‌رود» (شمخانی، ۱/۳۸/۸۸) و وزیر دفاع نیز از همکاری ایران در کنترل تسلیحات، اعتمادسازی و ایجاد یک سازوکار جامع جهانی با سایر کشورهای منطقه و جهان» در امور دفاعی به عنوان محورهای دیپلماسی دفاعی کشور یاد نموده است (وحیدی، ۱۳۸۸).

در مقابل، اعتمادآفرینی از راه برقراری روابط دفاعی دو و چندجانبه و گسترش همکاری‌های دفاعی با این کشورها - که مبنای دیپلماسی دفاعی است - می‌تواند با ایجاد اقلان، رضایت‌مندی و اعتماد، از زیر سؤال رفتن منابع قدرت بازدارنده کشور

جلوگیری نماید. به واقع، از ظرفیت‌های قدرت نرم می‌توان به عنوان تسهیل اثربخشی و نفوذ وضعیت موجود بازدارندگی سخت و لزوم ارتقای آن متناسب با کم و کیف تهدیدها استفاده نمود. در این صورت، با تجمیع بازدارندگی سخت و نرم، بازدارندگی همه‌جانبه موردنظر سند چشم‌انداز تحقق خواهد یافت.

بازدارندگی سخت (سختی)

- تثبیت تهدید و جلوگیری از عینیت‌یابی آن
- واکنشی: تهدید به مجازات
- مجازات شدیدتر از ضربه اول
- گستره بین‌الدولی
- وجود ضریب خشی بودن اثر و عدم بازدارندگی

بازدارندگی نرم (نوین)

- تمرکز بر نفس تهدید و حذف یا تقلیل آن (افزون بر عینیت‌یابی)
- پیشگیری از راه اعتماد
- گستره فراتر از روابط بین دولتی
- تقلیل ضریب خطای بازدارندگی سخت

نشانگر ۱. مقایسه مؤلفه‌های بازدارندگی سخت و نرم

به واقع، «کشورمان به لحاظ مشخصات ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی از جایگاه ویژه منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار است، بنابراین با دامنه‌ای از فرصت‌ها، مزیت‌ها، تهدیدها و چالش‌ها روبه‌رو است. از سوی دیگر، سیاست بین‌الملل مبتنی بر نظام سلطه، شناسایی هویت و آزادی عمل کشورهای مستقل را برنمی‌تابد و «با تعریف یک‌جانبه امنیت بین‌الملل به نفع قدرت سلطه‌گر در تضاد آشکار با اندیشه‌های انقلاب اسلامی، منافع و امنیت ملت‌های آزاده است. در چنین محیطی با در اختیار داشتن پشتوانه عظیم مردمی و

ارتقای توان بازدارندگی می‌توان مانند گذشته با ابتکار عمل لازم تهدیدها را به فرصت تبدیل کرد و از فرصت برای تقویت بنیه دفاعی و امنیت ملی نهایت بهره را بُرد. به این منظور باید ضمن ایجاد توان و بازدارندگی مؤثر، تهدیدها را با بهره‌گیری از قدرت نرم کاهش داد، یا خنثی کرد و این مهم نیازمند تحول سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در همه حوزه‌هاست. این تحول با تقویت بنیه دفاعی با سه رویکرد خلق تولیدات نو در بستر تحقیقات دفاعی، ارتقای منزلت و جایگاه نیروهای مسلح و توسعه همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی با بهره‌گیری از دیپلماسی فعال حمایت خواهد شد» (وحیدی، ۱۳۸۸).

ترکیب قدرت نرم و سخت بازدارنده با پشتیبانی:

- خلق تولیدات نو در بستر تحقیقات دفاعی
- ارتقای منزلت و جایگاه نیروهای مسلح
- توسعه دیپلماسی همکاری‌های فعال منطقه‌ای و جهانی

نشانگر ۲. فرایند مقابله با تهدیدهای کنونی در محیط خارجی کشور

۲-۳-۱. بازدارندگی سلبی و ایجابی

بازدارندگی از نظر تأثیرگذاری بر دشمن و ماهیت این تأثیرها، دو چهره منفی (سلبی) و مثبت (ایجابی) دارد: «توانایی جلوگیری از اتخاذ برخی خط‌مشی‌ها و یا فعل‌ها و ترک فعل‌ها (نفوذ منفی) و اجبار یا دیپلماسی قهرآمیز یعنی ترغیب دشمن به انجام اعمالی خاص (نفوذ مثبت)» (هالستی، ۱۳۸۰: ۵۱۲-۵۱۱). در بازدارندگی سخت، جنبه‌های منفی و مثبت یادشده تنها با تکیه بر قدرت نظامی و تهدید نهفته در آن محقق می‌شوند اما در بازدارندگی نرم، اعتماد و حس رضایت و اقناع (مبتنی بر تمایل واقعی یا تحمیلی) است که حریف را از دست زدن به حمله نظامی باز می‌دارد. نتیجه اینکه هر دو جلوه نرم و سخت یادشده، هدفی واحد را تعقیب می‌کنند و آن صیانت از منافع ملی

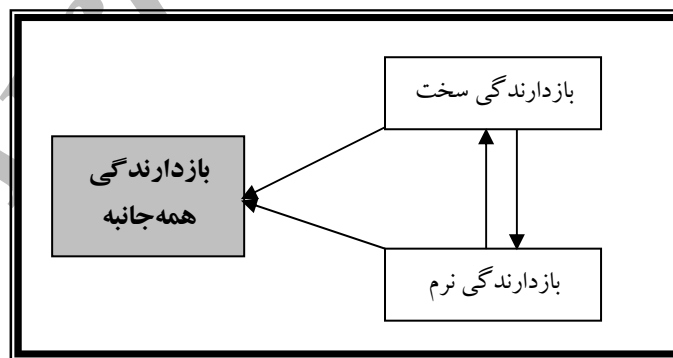
به‌ویژه تمامیت ارضی در برابر حمله خارجی (خواه اقدامات کمتر از جنگ و یا جنگ سراسری) است (کرمی، ۱۳۸۶: ۸۲-۷۷). با این تفاوت که بازدارندگی نرم، افزون بر دولت‌ها، دیگر بازیگران جدید را نیز در بر می‌گیرد.

ثبات ماهیت بازدارندگی

- بازداشتن رقیب از اتخاذ اقدامات جنگی (اثر سلبی)
- اتخاذ اقدامات غیرجنگی (اثر ایجابی)
- صیانت از تمامیت ارضی (جلوگیری از عینیت یافتن حمله به قلمرو ارضی)

نشانگر ۳. اشتراکات بازدارندگی سخت و نرم

در هر حال، بازدارندگی سخت بر تهدید به واکنش و مجازات استوار است. در حالی که بازدارندگی نرم، انتفای تهدید را در پرتو القای تصویری از یکسان بودن و همانندی امنیت خود و حریف تعقیب می‌کند. با توجه به مادی و ملموس بودن بازدارندگی سخت، محدودیت‌های حقوقی کاربست آن در روابط بین‌المللی، فراتر از نمونه نرم آن است (O'Brien, 1989-1990).



نشانگر ۴. دامنه شمول بازدارندگی همه‌جانبه

۳-۳-۱. کاربرست قدرت نرم از مجرای دیپلماسی دفاعی

دیپلماسی متناسب با ماهیت قدرت در سطح جهانی و اینکه دیپلماسی از ابزارهای قدرت در سطح جهانی بهره می‌گیرد، می‌تواند جلوه‌های نرم و سخت یا به تعبیر اخیر آمریکایی‌ها، جلوه «هوشمند» (قرائت سوزان نوسل) یا همگرا (رهیافت مرکز پیشرفت آمریکا) داشته باشند.

در کنار فرایند ارتقای قدرت سخت، توسعه فناوری‌های نرم و تحرک دیپلماسی دفاعی، از ضرورت‌های دستیابی به بازدارندگی نرم محسوب می‌شوند (وحیدی، ۱۳۸۸). از سوی دیگر، یک ملاحظه اساسی در طرح‌ریزی راهبرد دفاعی کشور-افزون بر درک محیط راهبردی کشور-، تدقیق در سیاست حاکم بر روابط بین‌الملل است. نظام سلطه «با تعریف یک‌جانبه امنیت بین‌الملل به نفع قدرت سلطه‌گر در تضاد آشکار با اندیشه‌های انقلاب اسلامی و منافع و امنیت ملت‌های آزاده است و در چنین محیطی با در اختیار داشتن پشتوانه عظیم مردمی و با ارتقای توان بازدارندگی می‌توانیم همچون گذشته تهدیدها را به فرصت تبدیل کرده و از فرصت‌ها برای تقویت بنیه دفاعی و امنیت ملی نهایت بهره را ببریم. به این منظور باید ضمن ایجاد توازن و بازدارندگی مؤثر، تهدیدها را با بهره‌گیری از قدرت نرم کاهش داده و یا خنثی کنیم که این مهم نیازمند استمرار تحول سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در همه حوزه‌هاست. رویکرد موسع به قدرت نرم می‌تواند دامنه تهدیدها را به زمینه‌های فرصت‌ساز تبدیل کند که نتیجه آن در حوزه تعاملات با واحدهای سیاسی، اعتمادسازی بیشتر است. در این جهت، دیپلماسی سیاسی با در هم آمیختن دیپلماسی و دفاع در روندی نظام‌مند به ابزاری اثربخش تبدیل می‌شود که با به‌کارگیری و تولید قدرت نرم تلاش می‌کند تا از راه تعامل ملی با سایر واحدهای نظام بین‌الملل، هدف راهبردی جمهوری اسلامی در پیشگیری و مقابله با تهدیدهای احتمالی را محقق کند. به همین دلیل بازدارندگی به عنوان اصلی‌ترین ملاحظه در تأیید حدود عملکرد دیپلماسی دفاعی مورد توجه قرار می‌گیرد. با توسعه و

بهره‌گیری از این ابزار تلاش خواهد شد تا روند همکاری و تعامل را با همکاری وزارت خارجه تقویت کنیم» (وحیدی، ۱۳۸۸/۶/۱۰).

- امنیت‌سازی
- تقویت بنیه اقتصادی و درآمد ارزی
- حمایت از سیاست خارجی
- تأمین نیازهای آمادی نیروهای مسلح

نشانگر ۵. کارکردهای دیپلماسی دفاعی کشور

به نظر می‌رسد، کاربست دیپلماسی دفاعی هم در زمان صلح و جنگ و هم برای پیشگیری از درگیری و حتی استفاده از ظرفیت‌های محیط بین‌المللی در تقویت توانمندی‌ها و اثرگذاری‌های زمان جنگ (از جمله تأمین نیازهای آمادی نیروهای مسلح) نیز کارا باشد. به تعبیر هنری کیسینجر، «باید این ایده که وقتی جنگ آغاز می‌شود، سیاست خاتمه می‌پذیرد را کنار بگذاریم» (لین، ۱۳۸۶: ۱۲۴)؛ چرا که در زمان جنگ نیز دیپلماسی در کل و دیپلماسی دفاعی به شکل ویژه همچنان کاراست.

۲. واکاوی قدرت نرم در اسناد بنیادین دفاع ملی

با بررسی سند چشم‌انداز، سیاست‌های کلی ناظر بر تدوین برنامه‌های توسعه پنج ساله و همچنین قوانین برنامه‌های یادشده به نظر می‌رسد ظرفیت‌های لازم برای توجیه و توجه به قدرت نرم در مفاهیم بنیادین دفاع ملی وجود دارد. با این حال، آنچه بیش از همه ضروری است، برنامه‌ریزی راهبردی و عملیاتی برای طراحی الگوی بومی قدرت ملی با در نظر گرفتن منابع قدرت کشور و افقی است که سند چشم‌انداز برای تحرک‌بخشی به امور عمومی ترسیم نموده است. بدون شک، توجه اسناد یادشده به قدرت نرم متکی بر

شناسایی اهمیت و سطح تأثیرگذاری مؤلفه‌های نرم قدرت در دنیای امروز و افق بلندمدتی است که توسعه همه‌جانبه کشور در آن تبیین و تعریف شده است.

۱-۲. سند چشم‌انداز ایران در افق ۱۴۰۴

سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی، از جمله اسناد راهبردی و بنیادین کشور است که در حوزه دفاعی، بهره‌گیری از ظرفیت‌های نرم و سخت و همچنین مشارکت مردمی و عمومی در روند بازدارندگی را مورد تأکید قرار داده و به عنوان مؤلفه‌های تعیین‌کننده در دستیابی به وضعیت دفاعی مطلوب یا «جامعه امن» در این افق بیست ساله تلقی نموده است:

«جامعه ایرانی در افق این چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت:

...امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت...».

نگاهی به سند چشم‌انداز بیست ساله در حوزه دفاع و امنیت نشان می‌دهد که اصل بازدارندگی (در کلی‌ترین مفهوم و گستره آن) به عنوان مبنای راهبرد دفاعی، تعیین و تثبیت شده است (پیتز، ۱۳۷۸: ۲۲۶-۲۲۴).^۱ کشورمان هم اکنون از توان و قابلیت‌های پایه بالایی برخوردار است، اما نظر به تحولات جدید در محیط امنیتی منطقه‌ای و بین‌المللی نیازمند استمرار تحول در این حوزه با رویکرد بهسازی و ارتقای قابلیت امکانات موجود و خلق تولیدات نو هستیم. در اجرای این تدابیر باید تجهیزاتی را تولید کنیم که به افزایش سرعت و انعطاف نیروها بینجامد و قابلیت انتخاب رهنامه‌ها و راهبردهای عملیاتی مناسب را محقق کند (وحیدی، ۱۳۸۸/۶/۱۰). ملاحظه «امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت» مبتنی بر درک

۱. رهنامه بازدارندگی دفاعی در ایران، از نوع بازدارندگی مرزی و سرزمینی بوده و از بازدارندگی فرامرزی در راهبرد نظامی برخی قدرت‌ها نظیر ایالات متحده قابل تمیز است.

قدرت نرم در محیط درون ملی و برون ملی است. از یکسو، نه تنها جنبه‌های سیاسی مشارکت مردم را در نظر دارد بلکه حضور آنها در صحنه‌های دفاعی به ویژه دفاع نظامی را نیز پذیراست. ضمن اینکه تأکید بر «پیوستگی مردم و حکومت» نمایانگر همان رویکرد تحلیلی قدرت نرم در محیط ملی است که البته باید به محیط بین‌المللی نیز گسترش یابد و اهمیت جلب توجه و رضایت در اقشار و افکار عمومی منطقه‌ای و جهانی را نیز تحت پوشش قرار دهد. به نظر می‌رسد که «همه‌جانبه» بودن بازدارندگی در این سند، چنین ظرفیتی را واجد است و مسئولیت توجیه و عملیاتی نمودن این انبساط در مبانی و محورهای بازدارندگی، بر عهده سطوح سیاستگذار نیروهای مسلح خواهد بود. همان‌گونه که در «ملاحظه» انتهایی این سند آمده است «شاخص‌های کمی کلان توانایی‌های دفاعی و امنیتی» باید متناسب با سیاست‌های توسعه و هدف‌ها و الزامات چشم‌انداز، تنظیم و تعیین گردد. در این صورت، می‌توان گفت که پیروی از مردمی کردن دفاع ملی و در نتیجه توجه به اقناع‌سازی و متقاعدکنندگی قدرت به ویژه در محیط داخلی (و قابل تعمیم به محیط منطقه‌ای و جهانی)، یکی از الزامات راهبرد دفاعی کشور در قالب چشم‌انداز است. در هر حال، سند چشم‌انداز به دلیل انعطافی که در تعیین محورها و دامنه راهبردنویسی دارد و تکیه بر مفهومی وسیع به نام بازدارندگی همه‌جانبه، از قابلیت لازم برای بسط قدرت نرم از درون ملی به بین‌المللی آن هم در راستای ایفای کارویژه‌های دفاعی برخوردار است.

۲-۲. سیاست‌های کلی نظام در دوره چشم‌انداز

بند (ب) سیاست‌های کلی نظام در دوره چشم‌انداز، محورهایی را در بخش «امور اجتماعی - سیاسی و دفاعی» مورد تأکید قرار داده که در این میان، می‌توان به موارد زیر به شکل ویژه توجه نمود:

«۷. ارتقای توان آمادگی دفاعی نیروهای مسلح برای بازدارندگی، ابتکار عمل و

مقابله مؤثر در برابر تهدیدها، حفاظت از منافع ملی، انقلاب اسلامی و منابع حیاتی کشور».

به نظر می‌رسد این بند، از سیاست‌های قانون برنامه چهارم توسعه، انتخاب و اقتباس شده و گستره میان‌مدت و چشم‌انداز یافته است.

«۹. جهت‌گیری روابط خارجی و اتخاذ دیپلماسی فعال برای گسترش همکاری و حضور کارآمد در مجموعه‌ها و معاهدات منطقه‌ای و بین‌المللی؛

۱۰. توسعه همکاری‌های همه‌جانبه با کشورهای دوست، منطقه و اسلامی و مشارکت بین‌المللی برای حفظ صلح».

محمل بندهای ۹ و ۱۰ فوق، طرح‌ریزی دیپلماسی دفاعی فعال و کارآمد است که ضمن هماهنگی با اصول سیاست خارجی کشور، به تحقق ارزش‌های حیاتی در حوزه قدرت دفاعی کشور کمک نموده و تحکیم‌بخش بازدارندگی همه‌جانبه کشور می‌باشد.

«دیپلماسی فعال»، محدود به دیپلماسی رسمی در سطوح دو یا چندجانبه نبوده، بلکه ناظر بر دیپلماسی عمومی به عنوان مجرای جدی برای طرح‌ریزی برنامه اقدام تولید قدرت نرم و بازتولید دیگر مؤلفه‌های قدرت ملی نیز هست. همگرایی اسلامی نیز بیش از سایر طبقه‌بندی‌های همکاری بین‌المللی، متکی بر قدرت اقناع‌کنندگی است. پس در این رابطه، دیپلماسی دفاعی نیز همگام با دیگر مجاری سیاست‌گذاری روابط خارجی کشور می‌تواند (بلکه باید) بر پایه تدوین منظومه اثرگذاری راهبردی قدرت نرم تعریف و مدیریت گردد.

۲-۳. سیاست‌های کلی قانون برنامه چهارم توسعه

در بند ۲۰ سیاست‌های کلی قانون برنامه چهارم توسعه، در بخش «امور اجتماعی، سیاسی، دفاعی و امنیتی» محور زیر مورد تأکید قرار گرفته است: «تقویت امنیت و اقتدار ملی با تأکید بر رشد علمی و فناوری، مشارکت و ثبات سیاسی، ایجاد تعادل میان مناطق مختلف کشور،

وحدت و هویت ملی، قدرت اقتصادی و دفاعی و ارتقای جایگاه جهانی ایران».

در این بند، افزون بر مؤلفه‌های سیاسی و اجتماعی مؤثر بر قدرت ملی، به شکلی ویژه به قدرت دفاعی کشور نیز توجه شده است. به تعبیر دیگر، قدرت نرم دفاعی به عنوان بخشی از منظومه کلی قدرت نرم ملی، شناسایی شده هر چند به طور ویژه به چنین اصطلاحی اشاره نگردیده است.

گفتنی است که در سیاست‌های کلی در دوره سند چشم‌انداز (در حوزه امور اجتماعی - سیاسی و دفاعی)، این بند به گونه‌ای اصلاح و تجمیع شده که قیود صریح دفاعی آن، حذف گردیده است.^۱

در بند ۲۴ نیز چنین آمده است: «ارتقای توان دفاعی نیروهای مسلح برای بازدارندگی، ابتکار عمل و مقابله مؤثر در برابر تهدیدها و حفاظت از منافع ملی و انقلاب اسلامی و منابع حیاتی کشور». بازدارندگی، مبنای ترین رهنامه در زمینه امنیت خارجی است. توجه مطلق و عام به این رهنامه، با شناسایی تحولات در مفهوم، گستره و مؤلفه‌های آن، افزون بر جنبه‌های سخت‌افزاری، قادر است به محیط نرم‌افزاری نیز به طور تکمیلی و مستقل یا همراه با قدرت نرم، تعمیم یابد. این بند، در سیاست‌های کلی دوره سند چشم‌انداز نیز تکرار شده است.

با این حال، تاکنون اغلب قدرت سخت بازدارنده بوده است که در ساختار تفکر و برنامه‌ریزی دفاعی کشور، قابلیت عملیاتی و اجرایی یافته است.

برای نمونه، آنچه در بند ۲۶ سیاست‌های یادشده با عنوان «تقویت، توسعه و نوسازی صنایع دفاعی کشور با تأکید بر گسترش تحقیقات و سرعت دادن به انتقال فناوری‌های پیشرفته» مدنظر قرار گرفته، اغلب تأکید بر قدرت سخت است. به نظر می‌رسد می‌توان ارتباط بندهای یادشده را چنین تفسیر نمود که قانونگذار دفاعی کشورمان، قدرت نرم را نه

۱. بند جایگزین در این سند چنین است: «تقویت امنیت و اقتدار ملی با تکیه بر رشد اقتصادی، مشارکت سیاسی و تعادل منطقه‌ای».

به عنوان بدیل قدرت سخت بلکه به مثابه مکمل و تقویت کننده آن مدنظر قرار داده که توان دفاعی کشور را در برخی محیطها افزایش می دهد و یا اثر بازدارنده و پیشگیرانه داشته، نیاز به کاربرد قدرت سخت را به محیطها و شرایط خاص محدود می سازد.

در بند ۲۸ بخش «امور مربوط به مناسبات سیاسی و روابط خارجی» نیز چنین آمده است: «ثبات در سیاست خارجی بر مبنای قانون اساسی و رعایت عزت، حکمت و مصلحت و تقویت روابط خارجی از راه: گسترش همکاری های دو جانبه، منطقه ای و بین المللی؛ ادامه پرهیز از تشنج در روابط با کشورها؛ تقویت روابط سازنده با کشورهای غیر متخصص؛ بهره گیری از روابط برای افزایش توان ملی؛ مقابله با افزون خواهی و اقدام متجاوزانه در روابط خارجی؛ تلاش برای رهایی منطقه از حضور نظامی بیگانگان؛ مقابله با تک قطبی شدن جهان؛ حمایت از مسلمانان و ملت های مظلوم و مستضعف به ویژه ملت فلسطین؛ تلاش برای همگرایی بیشتر میان کشورهای اسلامی؛ و تلاش برای اصلاح ساختار سازمان ملل».

به نظر می رسد که در حوزه روابط خارجی دفاعی که می توان آن را دیپلماسی دفاعی نامید، قدرت نرم اولویت ویژه دارد. در این محیط که بازیگران بین المللی متکی به اصل حاکمیت حضور دارند، امکان تقابل آن هم با استفاده از قدرت سخت، هزینه های زیادی را بر امنیت کشور بار می نماید. از این رو قدرت سخت، تنها باید به عنوان «آخرین ابزار و گزینه» در سیاست خارجی کشور مورد نظر قرار گیرد.

تاریخ ثابت نموده که استفاده از ظرفیت های همگرایی و تعامل - البته با دولت ها و بازیگرانی که دارای نقاط مشترک و الفت و علقه مادی و معنوی با کشورمان هستند - می تواند دیپلماسی دفاعی را از محیط روابط «بین الدولی محض» به محیط «بین ملت ها و بین اقوام و افراد» تغییر یا تعمیم دهد و ضمانت امنیت ملی در برابر تهاجم خارجی را به اراده ها، احساسات، ادراکات و قلوب افراد واگذارد. در این صورت، قدرت اقناع و رضایت بخشی و جلب افکار و احساسات مردمی در فراسوی مرزها

خواهد توانست ضریب امنیت ملی را در برابر تهدیدهای خارجی ارتقا بخشیده، افراد و ملت‌های زیادی را به عوامل مؤثر در تضمین قدرت بازدارنده دفاعی کشور تبدیل سازند.^۱

۳-۴. قانون برنامه چهارم توسعه

هرچند سیاست‌های کلی قانون برنامه چهارم، عام بوده و دارای ظرفیت‌های سخت و نرم به نظر می‌رسد، اما در تشریح آنها تنها به جنبه‌های سخت پرداخته شده و در نتیجه، قدرت نرم نتوانسته وارد ساختار و سازمان دفاعی کشور گردد.

بر مبنای ماده ۱۲۱ قانون یادشده، «دولت موظف است به منظور تقویت بنیه دفاعی کشور و ارتقای توان بازدارندگی نیروهای مسلح و حفاظت از تمامیت ارضی و امنیت کشور و آمادگی در برابر تهدیدها و حفاظت از منافع ملی، انقلاب اسلامی و منابع حیاتی کشور و هوشمندسازی سامانه‌های دفاعی، اقدام‌هایی را در صورت تصویب فرماندهی کل نیروهای مسلح به عمل آورد:

- (۱) تقویت مؤلفه‌های بنیه دفاعی با تأکید بر نوین‌سازی و هوشمندسازی تجهیزات، ارتقای منابع انسانی و سامانه‌های فرماندهی (C4I)؛
- (۲) ارتقای فناوری‌های نوین و هوشمند و سامانه‌های اطلاعاتی با به‌کارگیری سامانه‌های دفاعی به‌ویژه سامانه‌های الکترونیکی، هوافضا، دریایی و پدافند هوایی؛
- (۳) بهینه‌سازی و بهبود ساختارهای چابک و پاسخگو در دفاع ملی؛

۱. سیاست‌های کلی در دوره سند چشم‌انداز، محورهای فوق را به شرح زیر تجمیع و اصلاح نموده است: «جهت‌گیری روابط خارجی و اتخاذ دیپلماسی فعال برای گسترش همکاری و حضور کارآمد در مجموعه‌ها و معاهدات منطقه‌ای و بین‌المللی (بند ۹)؛ توسعه همکاری‌های همه‌جانبه با کشورهای دوست، منطقه و اسلامی و مشارکت بین‌المللی برای حفظ صلح (بند ۱۰)».

- (۴) ارتقای حضور و سهم نیروهای مردمی در استقرار امنیت و دفاع از کشور و به‌کارگیری متقابل و بهینه از امکانات و توان منابع انسانی؛
- (۵) نوسازی و بازسازی و بهبود صنایع دفاعی با نگرش به سامانه و فرآیندهای صنعتی نوین؛
- (۶) ارتقای ابتکار عمل و توان مقابله مؤثر در برابر تهدیدها و حفاظت از منافع ملی، منابع حیاتی و انقلاب اسلامی ایران؛
- (۷) ارتقا و افزایش سطح دانش و مهارت نیروهای مسلح، به صورت کمی و کیفی؛
- (۸) ارتقای سطح آموزش، تحقیقات، فناوری در بخش دفاع و گسترش همکاری‌ها با مراکز علمی دانشگاهی داخلی و خارجی؛
- (۹) حضور و استقرار متناسب با تهدیدها در حوزه‌های آبی کشور (خلیج فارس، دریای عمان و دریای خزر)؛
- (۱۰) ارتقای منزلت اجتماعی و معیشت کارکنان نیروهای مسلح؛
- (۱۱) رعایت اصول پدافند غیرعامل در طراحی و اجرای طرح‌های حساس و مهم و یا در دست مطالعه و نیز تأسیسات زیربنایی و ساختمان‌های حساس و شریان‌های اصلی و حیاتی کشور و آموزش عمومی مردم توسط دستگاه‌های اجرایی، به منظور پیشگیری و کاهش مخاطره‌های ناشی از سوانح غیرطبیعی».
- در این راستا، بازتنظیم رابطه دولت و ملت و به‌کارگیری آن به عنوان مجرای بازتولید قدرت دفاعی کشور مدنظر قرار گرفته اما نقش اقناع‌کنندگی قدرت ملی به ویژه ظرفیت‌های قدرت‌سازی فرهنگ و تمدن و ارزش‌های ایرانی-اسلامی در روابط بین‌المللی را نمی‌توان از مدلول عبارت‌های یادشده استنتاج نمود. از این‌رو، مراتب، شایسته‌بازبینی در مراحل آتی برنامه‌ریزی دفاعی پنج‌ساله است. در هر حال، گسترش فناوری‌های نرم و ارتقای وضعیت نرم‌افزاری بخش دفاعی هم در حوزه تولید دانش و فرهنگ دفاعی و هم نوسازی و تقویت صنایع دفاعی، از جمله نقاط قوت این ماده است.

نتیجه گیری

قدرت نرم با وجود جدید بودن عنوان و تعلق به ابتکار نای، در گذشته به شکل های فراوانی در اندیشه های سیاسی راجع به روابط دولت و ملت مطرح شده بود، اما هنر و خلاقیت نای، کاربرد این مفهوم در توصیف روابط میان دولت و واحدهای سیاسی در محیط بین المللی بوده است. «جوزف نای، با توجه به این عوامل و نیز ناتوانی های قدرت های بزرگ در استفاده از منابع سنتی قدرت، بر این باور است که روش دوم و جذاب تر اعمال قدرت وجود دارد. این شیوه، زمانی محقق می شود که یک دولت کاری کند، دولت های دیگر همان چیزی را بخواهند که او می خواهد. از این رو، این قدرت را نرم یا متقاعدکننده نامیده اند. به هر حال از آنجا که استفاده از قوه قهریه و نیروی نظامی، پرهزینه تر و ناممکن تر شده، شیوه های کمتر تهدیدکننده قدرت، به شدت جذاب شده اند. قدرت متقاعدکنندگی، توانایی یک کشور است در ایجاد موقعیتی که دولت های دیگر، علائق خود را بر مبنای آن پیش ببرند یا منافع خود را به شکلی تعریف کنند که با علائق و منافع آن کشور همخوان و منطبق باشد» (رفیعی، ۱۳۸۷: ۶).

با این حال، کاربری قدرت نرم با در نظر گرفتن ماهیت و مؤلفه هایی که دارد، محدود به محیطی خاص نبوده، بلکه مانند گستره و فراگیری مبانی و ماهیت خود قدرت که نهادی محصول روابط اجتماعی است، در همه اجتماعات قابل توجه خواهد بود. از این رو، افزون بر روابط بین دولت ها، در محیط بین ملت ها، بین افراد و به ویژه در روابط درون ملی نیز شایسته توجه است. منابع قدرت نرم را خاستگاه و بنیاد فرهنگی - تمدنی، ایدئولوژی و نهادهای بین المللی می دانند. به واقع، اگر دولتی بتواند قدرتش را در نگاه دیگران مشروع جلوه دهد، برای رسیدن به خواسته هایش با مقاومت کمتری روبه رو می شود؛ اگر ایدئولوژی دولت جذاب باشد، دیگران با رغبت بیشتری از آن پیروی می کنند؛ و در نهایت اگر دولتی بتواند در تولید هنجارهای بین المللی هماهنگ و سازگار

با جامعه خویش توفیق یابد، به احتمال فراوان، کمتر مجبور به تغییر می‌شود و از سویی دولت‌های دیگر همواره در چارچوب این نهادها و هنجارها عمل می‌کنند.

به نظر می‌رسد که ایران از هر سه منبع اثرگذاری یادشده برخوردار است و این منابع نه تنها در کلیت روابط اجتماعی فراملی (منطقه‌ای و جهانی) بلکه در حوزه دفاع ملی (امنیت داخلی و خارجی) نیز ریشه‌دار هستند. فرهنگ دفاعی کشور (به ویژه دفاع مقدس)، ایدئولوژی دفاعی و نهادهای ارزشی دفاع ملی کشورمان نه تنها در استمرار صیانت از تمامیت ارضی اثرگذارند بلکه می‌توانند به عنوان منابعی برای تولید قدرت نرم در مناسبات منطقه‌ای (بیشتر) و جهانی (تا حدی) به کار آیند (فرهادی، ۱۳/۱۱/۸۶).^۱ در اینجاست که دیپلماسی دفاعی کشور می‌تواند نه تنها موجبات اعتمادآفرینی و جلب رضایت و اقناع سایر کشورها و ملت‌های منطقه را فراهم سازد بلکه از بار اقتدار دفاعی کشور (و همه ارزش‌ها و تولیدات دفاعی) به عنوان محملی برای تولید جذابیت در افکار عمومی و تخصصی منطقه (و جهان) استفاده نماید؛ چرا که در چرخه هم‌افزایی قدرت سخت و نرم، قدرت نرم به تنهایی قادر به ایجاد امنیت کامل نبوده، قدرت نظامی به عنوان آخرین چاره همچنان کارآیی دارد. اما قدرت سخت و اقتدار دفاعی متکی به تجهیز نیرو و توان بازدارنده سخت‌افزاری و مقاومت‌پذیری در برابر قدرت‌های فرامنطقه‌ای، خود موجب افزایش اعتبار کشور و بخش دفاعی در افکار عمومی ملی (سطح عملیاتی) و سازمان دفاعی کشور (سطح تاکتیکی) و همچنین در افکار عمومی منطقه‌ای و جهانی می‌گردد و مرحله‌ی اخیر است که برای کشور به تولید سطح راهبردی قدرت نرم می‌انجامد؛ زیرا ارزش‌های کلان و فرهنگ راهبردی کشور را از توان رقابت

۱. «برای ما یک نقش ملی در داخل وجود دارد که باید با افزایش ظرفیت‌های خود، تبدیل به یک الگوی مناسب برای سایر کشورها شود. دوم نقش منطقه‌ای ما است؛ چرا که ایران می‌تواند عامل ثبات و نظم جدید در منطقه باشد. نقش جهانی ایران نیز در چارچوب اتحادیه‌ها و پیمان‌های گوناگون بسیار مهم است، افزون بر اینها نقش اسلامی ما است تا در کشورهای مسلمان برای پیشرفت و حل و فصل مناقشات آنها نقش ایفا کنیم.» (فرهادی،

و عرض اندام در محیط بین‌المللی و «هنجارسازی خودی و تضعیف قدرت هنجارسازی حریف» (نائینی، ۱۳۸۷: ۲۱۷) برخوردار می‌سازد. در این میان، مقاومت‌گرایی ایران در برابر بازیگران مداخله‌گر (ترابی، ۱۳۸۷: ۹۶) و توسعه دیپلماسی دفاعی، نمادهای برجسته از چارچوب‌های به‌کارگیری قدرت نرم مبتنی بر سابقه فرهنگی-تمدنی، ارزش‌های دینی و همبستگی و وحدت ملی به حساب می‌آیند که خود در چرخه تولید قدرت نرم در سطح راهبردی سهمیم هستند.

تحقق قدرت نرم نیازمند تغییر، دگرگون‌سازی و بازآفرینی همه‌جانبه است (فیروزآبادی، ۱۳۸۳: ۱۱) و البته که در حوزه دفاعی به دلیل اهمیت و اثر مستقیم آن بر اقتدار و پشتوانه‌های بازدارندگی اثربخش از تمامیت ارضی در برابر تهدیدهای فرااستی، این نیاز بیشتر از سایر حوزه‌هاست. امید است که با برنامه‌ریزی بهینه، این مفهوم به شکلی نظام‌مند در تفکر، ساختار و سازمان دفاعی کشور جریان یابد.

Archive

منابع و مآخذ

۱. منابع فارسی

۱. افتخاری، اصغر (۱۳۸۵)، *کالبد شکافی تهدید*، تهران، دوره عالی جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
۲. افتخاری، اصغر (۱۳۸۷)، «چهره‌های قدرت: گذار از سخت‌افزارگرایی به نرم‌افزارگرایی»، در: نای، جوزف، *قدرت نرم*، ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
۳. افتخاری، اصغر (به اهتمام) (۱۳۸۷)، «دو چهره قدرت نرم»، در: *قدرت نرم؛ معنا و مفهوم*، مقالات برگزیده همایش بسیج و قدرت نرم، جلد اول، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج و دانشگاه امام صادق (ع).
۴. افتخاری، اصغر (به اهتمام) (۱۳۸۷)، *قدرت نرم؛ معنا و مفهوم*، مقالات برگزیده همایش بسیج و قدرت نرم، جلد اول، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج و دانشگاه امام صادق (ع).
۵. افتخاری، اصغر (پاییز ۱۳۸۵)، «میزگرد قدرت نرم و انقلاب اسلامی»، *فصلنامه مطالعات بسیج*، شماره ۳۲.
۶. امیری، مهدی (۱۳۸۵)، «قدرت نرم، فناوری نرم و تأثیرات و کاربردهای آن در بخش دفاع»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گزارش شماره ۸۳۶۴.
۷. پیترز، جان (۱۳۷۸)، *معماری نظامی آمریکا بر پایه نظم نوین جهانی*، ترجمه سیدحسین محمدی نجم، تهران، دوره عالی جنگ سپاه.
۸. ترابی، طاهره (۱۳۸۷)، «بازخوانی قدرت نرم با تأکید بر فرهنگ ایرانی-اسلامی»، در: افتخاری، اصغر (به اهتمام)، *قدرت نرم؛ معنا و مفهوم*، مقالات برگزیده همایش بسیج و قدرت نرم، جلد اول، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج و دانشگاه امام صادق (ع).
۹. تریف، تری و همکاران (۱۳۸۳)، *مطالعات امنیتی نوین*، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۰. رفیعی، سیدکمال‌الدین (۱۳۸۷)، «قدرت نرم»، تحلیل راهبردی دفتر مطالعات و امور دفاعی، تهران، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.
۱۱. ساعد، نادر (۱۳۸۷)، *حقوق بشردوستانه و مسائل نوظهور (جنگ‌های پسانوین)*، تهران، خرندی.
۱۲. شمشانی، علی (۱۳۸۸)، «چهار ویژگی مهم موشک سجیل ۲ در مقایسه با شهاب ۳»، *خبرگزاری فارس*.
۱۳. صدوقی، مرادعلی (زمستان ۱۳۸۳)، «ترجمان جنبش نرم‌افزاری در عرصه دفاع»، *راهبرد دفاعی*، شماره ۶.
۱۴. فالتزگراف، رابرت (۱۳۸۳)، *نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل*، ترجمه دکتر وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران، قومس.
۱۵. فرهادی، محمد (۸۶/۱۱/۱۳)، «قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، وبلاگ نوای دلنشین، قابل دسترسی در: basijblog.parsiblog.com/385813.htm

۱۶. فرهادی، محمد و محسن مرادیان (۱۳۸۷)، «درک قدرت نرم»، در: افتخاری، اصغر (به اهتمام)، *قدرت نرم؛ معنا و مفهوم*، مقالات برگزیده همایش بسیج و قدرت نرم، جلد اول، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج و دانشگاه امام صادق (ع).
۱۷. فیروزآبادی، سیدحسین (۱۳۸۳)، «تبیین جنبش نرم‌افزاری»، *فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک*، شماره ۱۹.
۱۸. کرمی، جهانگیر (۱۳۸۶)، *دکترین نظامی رژیم اسرائیل*، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
۱۹. کلاهچیان، محمود (۱۳۸۷)، «بررسی و نقد قدرت نرم در گفتمان غربی»، در: افتخاری، اصغر (به اهتمام)، *قدرت نرم؛ معنا و مفهوم*، مقالات برگزیده همایش بسیج و قدرت نرم، جلد اول، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج و دانشگاه امام صادق (ع).
۲۰. کلهر، رضا (پاییز ۱۳۸۵)، «میزگرد قدرت نرم و انقلاب اسلامی»، *فصلنامه مطالعات بسیج*، شماره ۳۲.
۲۱. لین، جان و یک (۱۳۸۶)، *مبانی دیپلماسی*، ترجمه عبدالعلی قوام، تهران، قومس.
۲۲. نائینی، علی محمد (۱۳۸۷)، «معنا و مفهوم قدرت و تهدید نرم در مطالعات امنیتی»، در: افتخاری، اصغر (به اهتمام)، *قدرت نرم؛ معنا و مفهوم*، مقالات برگزیده همایش بسیج و قدرت نرم، جلد اول، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج و دانشگاه امام صادق (ع).
۲۳. نای، جوزف (۱۳۸۷)، *قدرت نرم*، ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
۲۴. هالستی، کی جی (۱۳۸۰)، *مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل*، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم سری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۲۵. وحیدی، احمد (۱۳۸۸)، «چتر دیپلماسی دفاعی ایران بر منطقه»، *روزنامه ایران*.
۲۶. وحیدی، احمد (شهریور ۱۳۸۸)، سخنرانی در نشست اخذ رأی اعتماد مجلس شورای اسلامی، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی شبکه خبر، سیاست داخلی.
۲۷. ولی‌پور زرومی، سیدحسین (۱۳۸۳)، *گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۲. منابع لاتین

- Chan, Steve (2009), "Soft Deterrence, Passive Resistance: American Lenses, Chinese Lessons", *Paper Presented at the Annual Meeting of the International Studies Association*, Hilton Hawaiian Village, Honolulu, Hawaii, available at <http://www.allacademic.com/meta/p72118_index.html>.
- O'Brien, William (1989-1990), "Reprisals, Deterrence and Self-Defense in Counterterror Operations", *Virginia Journal of International Law*. Vol 30.

Archive of SID